

بررسی تاثیر آموزش مستقیم و رسمی در مقایسه با تاثیرات آموزش غیرمستقیم و غیررسمی در مقطع ابتدایی

علیرضا کمالو

دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید با هنر اراک

Email:mr.alirezakamaloo@gmail.com

## چکیده

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد، بیش‌ترین سهم یادگیری از طریق یادگیری غیررسمی حاصل می‌شود؛ اما آنچه عملاً در حال وقوع است تمرکز و صرف هزینه بر روی یادگیری رسمی می‌باشد؛ از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیرات آموزش مستقیم و رسمی در مقایسه با تاثیرات آموزش غیرمستقیم و غیررسمی در مقطع ابتدایی انجام شده است؛ روش پژوهش به صورت کیفی صورت گرفته است. مادام‌العمر بودن یادگیری، خودیادگیری، کسب مدرک، معیارهای پیشرفت تحصیلی از جمله مضامینی بودند که درخصوص آموزش رسمی و غیررسمی بررسی شد. در نتیجه تربیت و آموزش منحصر به کتاب، معلم و دانشگاه نمی‌باشد، بلکه عوامل دیگر نظیر خانواده، دوستان، فضای مجازی و... تربیت افراد را تحت شعاع قرار دادند.

**واژگان کلیدی:** آموزش رسمی، آموزش غیررسمی، یادگیری، دانش‌آموزان ابتدایی.

## مقدمه

از زمانی که تعلیم و تربیت رسمی شکل گرفت افرادی به عنوان معلم، افرادی دیگر به عنوان دانش‌آموز و مکانی به عنوان کلاس آموزشی تعیین شد. از آن زمان عده‌ای مطالبی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دادند که نوع روش تدریس آن‌ها بیشتر به مطالب آموزشی بستگی داشت. برخی فنون و مطالب به شکل عملی آموخته می‌شد که در حقیقت به کارگیری روش تدریس فعال بود در این عین برخی مطلب نیز به شیوه حفظی، تمرین و تکرار آموخته می‌شد که در حقیقت به کارگیری روش تدریس غیرفعال بود.

این دوشیوه از دو نوع طرز تفکر نشأت می‌گرفت؛ یکی آن که براساس آن معتقد بودند ذهن انسان همانند لوح سفیدی است که در بدو تولد نقشی در آن وجود نداشته و از محیط متأثر می‌شود و نقش می‌پذیرد و می‌تواند از اطلاعات و معلومات انباشته شود. نوع دیگر از طرز تفکر این است که ذهن به عنوان منبعی فعال و استوار نقش و اطلاعات و معلومات را به همان شکل که

از محیط می‌گیرد در خود جای نمی‌دهد. بلکه ذهن موجودی فعال است، مطلب را می‌گیرد تجزیه و تحلیل می‌کند. در واقع انبار ذخیره اطلاعات نیست و به این ترتیب نظرات متفاوتی ارائه می‌دهند.

در دنیای پیچیده امروز یادگیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به تعریفی که از یادگیری می‌شود، آن را به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است، می‌گویند. (سیف، ۱۳۹۶: ۳۰). می‌توان تصور کرد که با انواع یادگیری در زندگی مواجه خواهیم بود، به این دلیل که فرد از زمان تولد تا سالمندی تجارب مختلفی در حوزه‌های مختلف کسب می‌کند، تلاش‌های مکرر برای راه رفتن، سخن گفتن، مطلب آموزشی، مهارت‌هایی مثل رانندگی و... نمونه‌هایی از یادگیری‌هایی هستند که فرد در طول زندگی خود به شیوه‌های مختلفی آن‌ها را یاد می‌گیرند. نقش یادگیری در همه صحنه‌های زندگی انسان نمایان است. (آتکینسون و دیگران، ترجمه براهنی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۵۵).

شاید بتوان گفت: یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت‌های اجتماعی در زندگی انسان یادگیری است، به عبارت دیگر می‌توان گفت: انسان محصول یادگیری‌های خود است. (کریمی، ۱۳۸۹: ۶۸، به نقل از نجفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸). یادگیری نقش پررنگی در موفقیت افراد و جوامع گوناگون داشته است. در جوامعی که مردم از یادگیری فاصله گرفتند، آمار جرم و جنایت بیشتر شده همینطور درگیری‌های خانوادگی، اشخاص در این وضعیت نقش خودشان را به درستی نشناخته‌اند و ارزش‌ها کم رنگ می‌یابند.

یادگیری به طور کلی به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. آلبرت بندورا بر این باور است که مشاهده افراد مختلف می‌تواند در به کار گیری و تقلید رفتارهای آن‌ها، نقش بسزایی داشته باشد. به نظر او یادگیری می‌تواند بدون درگیری با عامل و تنها از طریق مشاهده و توجه به اعمال و رفتار او صورت بگیرد. بنابراین تلویزیون با برنامه‌های مختلف و مخاطبان بسیاری که دارد از این قابلیت برخوردار است که علاوه بر سرگرم ساختن کودکان، مفاهیم مختلفی را به صورت غیرمستقیم به آن‌ها آموزش دهد. به این معنا که کودک در حین مشاهده برنامه‌های مختلف، در حال دریافت پیام‌های مختلف و یادگرفتن انواع رفتارها و عکس العمل‌هاست.

درحالی که در یادگیری رسمی عمدتاً فعالیت‌هایی است که معلم، استاد یا فرد یاددهنده در حضور دانش‌آموزان، دانشجویان و یا افراد دیگر است که غالباً به صورت کلامی انجام می‌گیرد. (سیف، ۱۳۹۶: ۴۳). یادگیری رسمی وابسته به یک نفر است که با وجود او می‌تواند صورت پذیرد، درحالی که یادگیری غیررسمی وابسته به حضور شخص یاد دهنده نمی‌باشد.

مدرسه و کلاس مهم‌ترین موقعیت در نظام آموزش و پرورش رسمی است که مجریان برنامه‌های آموزش و پرورش مدیر، معاونان، معلمان، مربیان و دفترداران با اجرای عالمانه برنامه‌های درسی می‌توانند میزان اطمینان تحقق زندگی سعادتمندانه را

برای افراد در جامعه فراهم نمایند. معمولاً انسان از هر چیزی که رسمی و تصنعی است گریزان است و یا حداقل رغبت درونی به آن ندارد و بیشتر از روی ظواهر، نتایج صوری و رفع تکالیف اجباری و تصنعی به آن می‌نگرد.

درحالی‌که در تربیت غیررسمی فرد با اراده و اختیار خود و از روی برنامه‌ریزی‌هایی که انجام داده است به رفع مشکلات تربیتی خود اقدام، و سعی در بهتر شدن رابطه تربیتی دارد. در آموزش رسمی کنش‌های متقابل بین معلم، شاگرد و محتوا ممکن است بسیار کم باشد مانده وقتی که معلم درباره موضوعی برای شاگردان خویش سخنرانی می‌نماید. به عبارت دیگر آموزش غیررسمی فراپندی مادام‌العمر است که با آن هر شخص دانش، مهارت، نگرش و آگاهی‌هایی را از تجارب روزانه و در محیط زیست خود در خانه، محل کار و بازی بدست می‌آورد و بخاطر می‌سپارد.

بطور کلی آموزش غیررسمی فاقد سازماندهی و اغلب غیرنظامند است.

## یادگیری

هیچ تردیدی نیست که تقریباً همه رفتارهای پیچیده انسانی از راه یادگیری حاصل می‌شود. اگر ما بخواهیم رفتار فرد را توجیه، پیش‌بینی یا کنترل کنیم، باید بدانیم که وی چگونه آن رفتار را یاد گرفته است. (رابینز، ۱۳۸۵: ۱۸).

یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار با توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می‌شود، (سیف، ۱۳۹۶: ۴۳). بنابراین، در یادگیری بر توانایی حاصل شده از «تجربه» تاکید می‌شود. در عین حال این توانایی ایجاد شده بر اثر تجربه باید دوام مطلوبی نیز داشته باشد تا بتوان آن را یادگیری نامید. البته یادگیری را نباید فقط به صورت پیشرفت‌های مواد درسی که در کانون‌های آموزشی انجام می‌شود تصور کرد؛ بلکه یادگیری در حقیقت دارای مفهوم گسترده‌ای است که در قالب‌های دگرگونی پدیدار می‌شود. (پارسا، ۱۳۸۵: ۱۶).

## یادگیری رسمی

به طور سنتی، مفهوم یادگیری با یادگیری رسمی عجین شده است؛ آموزش رسمی ساختار یافته اغلب در قالب تشکیل کلاس با طرح‌ریزی معلم یا مربی و همراه با اجرا و ارزیابی در محل است. (آیینی‌ساز، ۱۳۸۹: ۲۸، به نقل از نجفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷).

مدرسه تنها جایی است که هدف آن تنها تربیت است. معلمین، مدیران، آن آموزش تخصصی مهارت‌های تعلیم و تربیت را آموخته‌اند. تا دانش‌آموزان را تربیت کنند. در مدرسه تمامی عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده از مدیر تا عوامل فیزیکی بر تربیت و

رشد شخصیتی دانش‌آموزان اثر انکارناپذیری دارند. که به سرعت تعاملی ارتباط متقابل بین آن‌ها و شاگرد ایجاد می‌شود که محصول نهایی آن شخصیت خاص دانش‌آموزی است که در آن سیستم تربیتی پرورش می‌یابد.

مهم‌ترین اثرات تربیتی مدرسه در دوره ابتدایی به صورت آشکار مشاهده می‌شود که مهم‌ترین دوره آموزش و پرورش می‌باشد چون معمولاً برای اولین بار شخص با یک محیط رسمی روبرو می‌شود و اولین برخوردها ساختار شخصیت تحصیلی وی را تشکیل می‌دهند و با توجه به ویژگی انعطاف‌پذیری و شکل‌پذیری فراوان کودک و آمادگی وی برای تقلید از شخصیت دانش‌آموزان باقی می‌گذارد.

یادگیری رسمی معمولاً شیوه‌های مختلف یادگیری را همراه ندارد و دانش محور می‌باشد. آموزش رسمی توسط معلمانی که سطح ابتکاری صلاحیت را دارند با دقت اندیشیده و ارائه می‌شود.

این صلاحیت از طریق آموزش رسمی معلمان به صورت استاندارد انجام می‌شود، تا گواهی‌نامه‌ای برای آن‌ها فراهم کند که ممکن است در کشورهای مختلف متفاوت باشد.

ضوابط پذیرش در آموزش رسمی بسیار محکم و غیرقابل تغییر می‌باشد، برای مثال تا فرد موفق به اخذ دیپلم نشود، نمی‌تواند به دانشگاه راه یابد.

### **آموزش رسمی به طور کلی و رسمی به مراحل زیر تقسیم می‌شود:**

پیش‌دبستانی یا مهدکودک، دبستان، متوسطه اول، متوسطه دوم، کالج، دانشگاه یا کارآموزی.

طبق نظریه «گومز و احمد» ساختار بسیار مشخص، متوالی و مبتنی بر سال یا نیمسال، سلسله مراتبی که به آن نظام آموزش و پرورش می‌گویند که از دبستان آغاز شده تا دانشگاه ادامه دارد. (جارویس، ۱۳۹۲: ۲۱).

### **اهداف آموزش رسمی**

براساس یافته‌های یونسکو اهداف آموزش‌های رسمی که تلفیقی از آموزش‌های رسمی در چارچوب آموزش و پرورش و آموزش‌های پیشرفته در چارچوب آموزش عالی می‌باشد، به شرح زیر ترسیم می‌گردد:

- فراهم ساختن ابزار تفکر و عمل برای کودک و نوجوان متناسب با سن او به گونه‌ای که بتواند به عنوان انسان و شهروند، شکوفا شده و زندگی نماید.

- انتقال میراث فرهنگی و فراهم ساختن امکانات لازم جهت اغنای فرهنگی
  - تربیت انسان‌های آزاد، آگاه و مسئول که خود و دیگران را محترم بشمارند.
  - تربیت متخصصین طراز اول
  - اشاعه فرهنگ علمی و ادبی و ارزش‌های فرهنگی جامعه ( یونسکو، ۱۳۸۱: ۱۲۱ )
- مراحل کلی برنامه‌ریزی درسی در آموزش رسمی دانش‌آموزان به شرح زیر است :**

- تعیین هدف یا هدف‌ها بر مبنای نیازسنجی
- تعیین محتوا
- تعیین راهبردهای تدریس - یادگیری
- اجرای برنامه
- ارزش‌یابی و اصلاح برنامه.

#### **روش‌های آموزش در چارچوب آموزش‌های رسمی شامل :**

- ۱- روش‌های معلم محور، که به دو صورت آموزش بلندمدت و آموزش کوتاه مدت صورت می‌گیرد.
- ۲- روش‌های گروهی شاگردمحور
- ۳- روش‌های انفرادی شاگردمحور ( جارویس، ۱۳۸۱: ۱۵۱-۱۲۷).

**۱-۱ آموزش بلندمدت:** این نوع آموزش را می‌توان به منظور آماده‌سازی افراد برای تصدی حرفه‌های گوناگون ارائه کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های آن طولانی بودن مدت آموزش است، که محتوای آن معمولاً به صورت تلفیقی از آموزش‌های عمومی، ارتقای سطح دانش علمی و مهارت‌های علمی ارائه می‌شود. این نوع آموزش‌ها را معمولاً مراکز آموزش عالی، دانشگاه‌ها و موسسات حرفه‌ای ارائه می‌کنند.

**۲-۱ آموزش کوتاه مدت:** آموزش کوتاه مدت برای تصدی مشاغل خاص یا فراگیری دانش یا مهارتی ویژه انجام می‌شود. اینگونه آموزش معمولاً به افرادی ارائه می‌شود که برای مشاغل خاص انتخاب و برگزیده شدند. دوره‌های آموزشی کوتاه مدت از نظر ارتباط فراگیران با مراکز آموزشی به دو گروه آموزشی حضوری و غیرحضوری تقسیم می‌شود.

۱-۲ آموزش حضوری: منظور از دوره‌های آموزش حضوری، دوره‌هایی است که منابع و برنامه مورد نظر مرکز آموزشی نیروی انسانی را اساتید، طی دوره و ساعات تعیین شده به صورت حضوری در کلاس برای نیروی انسانی تدریس می‌کنند و سپس از آن‌ها آزمونی پایانی به عمل می‌آید.

۲-۱-۲ آموزش غیر حضوری: منظور دوره‌هایی است که منابع آموزشی آن را مرکز نیروی انسانی تعیین می‌کند و کارکنان پس از مطالعات فردی در مدت زمان معین در آزمون آن دوره شرکت و پس از قبولی، گواهی‌نامه مربوط را دریافت می‌کنند.

### معیارهای پیشرفت تحصیلی در آموزش رسمی

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از شاخص‌های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش‌ها در این نظام در واقع تلاش برای جامعه عمل پوشاندن به این امر تلقی می‌شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز آنان و جایگاه آن‌ها در جامعه علاقه‌مند و نگران است و انتظار دارد دانش‌آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند.

برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون در نظر گرفت که مشهورترین آن‌ها میانگین نمرات کل می‌باشد. از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و مفهوم انجام تکالیف و موفقیت دانش‌آموزان در گذراندن دروس تحصیلی مشخص یا موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به هدف‌های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه‌های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلاتکلیفی خود را نشان می‌دهد. به طور خلاصه رسیدن به اهداف آموزشی را به اصطلاح پیشرفت تحصیلی بیان می‌کنند.

از آنجایی که نظام برنامه‌ریزی ایران، متمرکز می‌باشد در این نظام معایبی وجود دارد از جمله:

۱- چون برنامه‌ها و مواد آموزشی به طور یکسان برای تمام مناطق کشور تهیه و تنظیم می‌شود نیازهای، شرایط و امکانات محلی نادیده گرفته می‌شوند.

۲- چون تصمیم‌گیری غالباً توسط کسانی انجام می‌گیرد که عملاً از محیط کلاس و مدرسه بدورند و با نیازها و شرایط و امکانات موجود در کلاس و مدرسه و منطقه آشنایی ندارند بیشتر تصمیم‌هایشان با نیازها، شرایط و امکانات موجود مطابقت نمی‌کند.

۳- در صورت وجود هرگونه نقص یا نقایصی در برنامه‌ریزی آموزشی یا محتوای کتب و یا ماهیت مواد آموزشی ضرر و زیان شامل تمام مدارس کشور می‌گردد.

۴- مجریان برنامه‌های آموزشی به‌خصوص معلمان و مدیران در کلاس قادر نیستند که برنامه آموزشی محتوای کتاب‌های درسی یا لوازم و تسهیلات آموزشی را در راه پاسخگویی به نیازها، شرایط و امکانات محلی تغییر بدهند.

۵- چون امکان تبادل نظر و ارائه نظرات اصلاحی و راه‌حل‌ها و پیشنهادهای جهت رفع مشکلات و کمبودها و نقایص برنامه‌ها و مواد آموزشی از سطوح پائین‌تر به سطوح بالاتر وجود ندارد، برنامه‌های آموزشی از لحاظ کمی و کیفی تغییر چندانی نمی‌کنند.

۶- چون از نظر مالی و اداری مدارس در هر منطقه کشور تابع مقامات در مرکز هستند میزان آزادی عمل در برآوردن نیازهای محلی و حل و فصل مسائل مالی و اداری برای مجریان برنامه‌های آموزشی در محل بسیار کم است و در نتیجه می‌بایست در طی مراحل اداری و کسب اجازه و ابلاغ دستور از مرکز تن بدهند.

۷- برنامه آموزشی، محتوای کتب درسی و ماهیت مواد و وسایل آموزشی معمولاً قبل از تصویب نهایی و ابلاغ به تمام مدارس کشور در یک مدرسه آزمایشگاهی اجرا، بررسی و آزمایش نمی‌شوند.

۸- عدم توجه به ویژگیهای مناطق مختلف کشور

۹- تناسب نداشتن برنامه‌ها با واقعیت‌ها

۱۰- عدم انعطاف‌پذیری در اجرای برنامه‌ها

۱۱- کاهش خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان

۱۲- کاهش انگیزه در معلمان

### یادگیری غیررسمی

تعلیم و تربیت یک فرآیند محدود به مدرسه (در مقیاس وسیع‌تر آموزش و پرورش) نیست و نهادهای مختلف مرتبط و غیرمرتبط با فرهنگ نیز در آن سهم و دخالت دارند، هرچند خود به این امر واقف نباشند.

ضمن اینکه همه امر تعلیم و تربیت نیز بر عهده دولت و حاکمیت نیست و خانواده، نهادهای دینی (از جمله حوزه‌های علمیه و مساجد) و تشکلهای دانش‌آموزی و مردمی و غیره در این رابطه می‌توانند و باید در کنار هم پازل تعلیم و تربیت را تکمیل نمایند.

علی‌رغم این‌ها، در تمام سیاست‌گذاری و اجرا، نهادهای غیر از مدرسه از نقش آفرینی‌های اصلی به حاشیه رانده می‌شوند که البته این امر نیاز تعمیر و تامل بیشتر دارد. در تربیت رسمی ادا، نمایش و رفتارهای غالبی مطرح است که غالب، محتوا و ظرف بر مظلوف غلبه دارد، وسیله بر هدف ترجیح دارد.

حتی عمیق‌ترین اندیشه‌های عرفانی که جنبه باطنی و درونی دارد، اگر رسمی شود از آن مقام درونی خالی می‌شود، چون تربیت موضوعی است که با دل انسان‌ها سرو کار دارد و باید تمایل قلبی و ذوقی و شوقی عاطفی و وجد و هیجان باطنی در آن پدید آید تا ارکان و جوارح آدمی نافذ افتد.

این آموزش نیز مانده آنچه در آموزش رسمی برگزار می‌شود سازمان یافته یا ساختار یافته نیست. اطلاعات مربوط به حوادث، رادیو، تلویزیون، فیلم، بزرگان، همسالان و والدین به عنوان آموزش غیر رسمی طبقه بندی می‌شوند. یادگیری غیررسمی به کودکان کمک می‌کند تا با روش‌ها و سنت‌های جامعه رشد و سازگار شوند و آنها یاد می‌گیرند که با شیوه بسیار بهتری با محیط سازگار شوند.

استاد مطهری می‌گوید: که هدف قرآن تربیت است، یعنی در واقع می‌خواهد افراد را بیدار کند، قرآن می‌خواهد تعلیم دهد که مقیاس و معیار، تشخیص عقل و فکر باشد، نه صرف اینکه پدران ما چنین کرده‌اند و ما هم چنین می‌کنیم. (استاد مطهری، ۱۳۷۵: ۳۶)

یادگیری غیررسمی نوعی از یادگیری است که هر روز در حال رخ دادن است؛ چه متوجه آن باشیم و چه نباشیم. ما به عنوان انسان ۹۰ درصد از یادگیریهایمان بطور غیررسمی رخ می‌دهند. از ویژگی‌های مهم یادگیری غیررسمی این است که دارای طرح و برنامه مشخص نیستند، اهداف تعیین شده‌ای وجود ندارد، دارای ساختار و دستورالعمل از قبل تعیین شده‌ای نیست، وابسته به زمان و مکان خاصی نیست، و از همه مهمتر در آن از مدرک یا گواهی خبری نیست.

### نقش اوقات فراغت در تربیت غیررسمی دانش‌آموزان

اوقات فراغت، اوقات آزادی هستند که هدف خاص و ازپیش تعیین شده‌ای ندارند و دربرگیرنده آموزش‌های غیررسمی می‌باشد که معمولاً برای اوقات فراغت برنامه‌ریزی نمی‌شود. فرد در این اوقات می‌خواهد به اشتغال بپردازد که با کمال میل به آن‌ها علاقه نشان می‌دهد، گاهی به جهت استراحت و گاهی برای ایجاد تنوع. بنابراین در چارچوب تربیت غیررسمی می‌توان مسائل مختلف آموزشی و تربیتی را به طور غیرمستقیم در زمینه‌های فرهنگی، ورزشی-اجتماعی، اخلاقی و دینی به دانش‌آموزان آموزش داد و با کشف استعدادها و آموزش‌های لازم، مهارت‌های زندگی را در آن‌ها ایجاد نمود.

### کارکردهای اوقات فراغت در تربیت غیررسمی دانش‌آموزان



۱. رفع خستگی، یکی از کارکردهای اساسی اوقات فراغت و تامین استراحت فرد است. همه انسان‌ها به استراحت و رفع خستگی نیاز دارند. کار مستمر و مداوم بدون هیچ‌گونه رفع خستگی موجب از بین رفتن سلامت روانی و پایین آمدن بازده کاری افراد می‌شود. باید بدانیم که هدف اصلی بطلت نیست بلکه نیاز به تمرکز اعصاب و افزایش بازده عمل، حاصل آن است.

۲. نیاز به تفریح، آدمی نیاز دارد پس از انجام کار در طی زمان، اوقاتی را جهت تفریح اختصاص دهد. پیامبر (ص) می‌فرماید: مسافرت کنید تا سلامت بمانید. تفریح برای افراد جنبه‌های مختلفی دارد، که در اسلام به تفریحات سالم به صورت مستمر اشاره شده است.

۳. شکوفایی استعدادها، استعدادهای انسان اگر در زمینه و شرایط مساعدی قرار گیرد، به مهارت تبدیل می‌شوند. بنابراین شناسایی استعدادها و توانایی فرد در زندگی فردی از اهمیت خاص برخوردار است و اوقات فراغت یکی از موقعیت‌های بسیار مناسب است که افراد می‌توانند با استفاده از آن به شناسایی و تقویت استعدادهای خود بپردازند.

۴. رشد اجتماعی فرد، اوقات فراغت علاوه بر تاثیرات فردی که در شخصیت فرد دارد به رشد اجتماعی او نیز کمک می‌کند. شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی موجب بروز روابط اجتماعی می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۰).

معنای اوقات فراغت به اختیار و آزادی عمل فرد اشاره دارد. بنابراین فرد در این اوقات به آزادی عمل و آسودگی خاطر با توجه به علایق و استعدادهای خود، با هدایت غیرمستقیم اولیا باید فعالیت خود را در جهت رشد و آموزش بیشتر نماید و از سرگرمی‌ها و فعالیت‌های متنوع استفاده نمایند تا موجب خستگی و دل‌زدگی آن‌ها نشود.

در انتخاب اوقات فراغت نباید از دیگران تقلید کرد، چرا که افراد از لحاظ میزان نفعی که از فعالیت‌ها می‌برند متفاوت‌اند، در اوقات فراغت نباید فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند به صورت عادی در بیاید، در غیر این صورت از هدف اساسی برنامه‌ریزان اوقات فراغت ساقط است. هدف از فعالیت‌های اوقات فراغت کسب آرامش، لذت همراه با تدبیر و آموزش است که فرد کاری را با میل و رغبت خود همراه با آرزو و خواسته‌های فردی خود انجام می‌دهد.

### یادگیری از طریق خانواده و خویشاوندان در تربیت غیررسمی

خانواده پایه اساسی و سازنده، مهم‌ترین ساخت اجتماعی است و وجود همه نظامات دیگر اجتماع بستگی به مشارکت خانواده دارد. (حکیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳). والدین، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در زندگی به شمار می‌آیند، نقش والدین در زندگی فرزندانشان چندانکه و دشوار است و آنان براساس درکی که از نقش خود دارند، با مهارت، دانش، تجارب و انگیزه‌هایشان می‌توانند تاثیر سازنده‌ای بر زندگی فرزندانشان باشند و برعکس.

در کنار خانواده خویشاوندان دور و نزدیک ( برادر، خواهر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، دایی، عمو، خاله، عمه و... ) که با کودکان و نوجوانان و جوانان تعامل دارند و نیز نقش مهمی در زیست بوم آموزش فرد دارند. هر کودک و نوجوانی بسیاری از دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های پایه خود را در خانواده و در تعامل با والدین و خویشاوندان به شکل آموزش‌های مستقیم یا غیرمستقیم فرا می‌گیرد.

### یادگیری مشاهده‌ای در تربیت غیررسمی

نظریه‌های یادگیری مختلفی وجود دارند، مانده شرطی‌سازی کلاسیک و شرطی‌سازی عامل که روی این تاکید می‌کنند که تجربه مستقیم، با تقویت یا تنبیه چطور به یادگیری منجر می‌شود؟ با این حال مقدار زیادی از یادگیری به طور غیرمستقیم رخ می‌دهد؛ چرا که کودکان نحوه رفتار کردن و پاسخ دادن به دیگران را با مشاهده دیگران می‌آموزند.

منظور بندورا از یادگیری مشاهده‌ای این نیست که یادگیرندگان هر چه را که ببینند، یاد بگیرند بلکه دارای فرآیند و شرایطی می‌باشد، از جمله:

- فرآیند توجه
- فرآیند یادداری
- فرآیند تولید

با توجه به نظریه بندورا در یادگیری مشاهده‌ای معلم می‌تواند به ترتیب زیر دانش‌آموزان را برای رسیدن به رفتار اجتماعی مطلوب آماده کند:

- صراحت بخشیدن به رفتارهای اجتماعی مطلوب
- تعیین نقش دانش‌آموزان در دستیابی به این رفتارها
- شناسایی و تشویق الگوها در کلاس
- بحث در مورد رفتار مناسب هر الگو
- ترغیب فعالیت‌های گروهی
- توزیع نقش‌های اجتماعی مختلف بین دانش‌آموزان گروه
- فراهم کردن زمینه برای تمرین مهارت‌های اجتماعی ( کدیور، ۱۳۷۹: ۱۳۲ )

یادگیری مشاهده‌ای می‌تواند یک ابزار یادگیری قدرتمند باشد. وقتی ما در مورد مفهوم یادگیری می‌اندیشیم، اغلب در مورد آموزش مستقیم یا روش‌هایی صحبت می‌کنیم که متکی بر تقویت و تنبیه هستند. اما میزان زیادی از یادگیری به طور ظریف‌تر رخ می‌دهد و متکی بر مشاهدهٔ افراد موجود در اطراف ما و سپس الگوبرداری از رفتارهای آن‌ها می‌باشد.

می‌توان در طیف وسیعی از محیط از جمله آموزش مشاغل، تعلیم و تربیت، مشاوره و روان‌درمانی از این روش یادگیری غیرمستقیم استفاده کرد. در نظریه یادگیری اجتماعی، کلیدی‌ترین واژه مفهوم خودکارآمدی است؛ بدین معنا که شخص اعتقاد دارد از عهدهٔ انجام کار برمی‌آید.

### یادگیری از طریق فعالیت‌های کاری - عملی در تربیت غیررسمی

یادگیری از راه کار مشتمل بر مسائل واقعی بوده و بر کسب دانش و پیاده سازی راه حل‌ها در عمل تمرکز و توجه دارد. ( یعقوب زاده قمی، ۱۳۸۷: ۳۶، به نقل از نجفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴). به طور کلی یادگیری از راه کار را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱- یادگیری قبل از انجام فعالیت: به این معنی قبل از شروع به کار جدید، افراد زمانی را صرف یادگیری از تجاربی که از فعالیت‌های مشابه و قبلی به دست آمده می‌کنند.

۲- یادگیری در حین انجام فعالیت: به توجه و تمرکز افراد به مرور و نظارت مستمر و پیاپی در طول انجام کارها بر اهداف سازمان، یا ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازمان، اشاره دارد که می‌توان از راه برگزاری جلسات کوتاه و... به این مطلوب دست یافت.

۳- یادگیری بعد از انجام فعالیت: پس از اتمام و پایان یافتن کار رخ می‌دهد و با دریافت بازخوردی از نحوهٔ اجرا و چگونگی انجام کار، تجارب و نکات به دست آمدهٔ افراد برای کارها و فعالیت‌های بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (آیینی ساز، ۱۳۸۹: ۵۸، به نقل از نجفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴).

### یادگیری غیر عمدی در تربیت غیررسمی

یادگیری غیررسمی گاهی عمدی و گاهی غیرعمدی است؛ از جمله فعالیت‌های یادگیری غیررسمی در محل کار عبارت‌اند از:

- یادگیری فرد با هدایت خودش
- مشاوره و مربیگری
- شبکه
- سؤال پرسیدن

## • باز خورد گرفتن

درواقع، غیررسمی غیرعمدی اغلب زمانی که در حال انجام وظایف روزانه هستید اتفاق می‌افتد؛ یادگیری از راه آزمون و خطا و یادگیری از طریق اشتباهات، به نوعی جز یادگیری‌های غیرعمدی به شمار می‌روند.

### یادگیری از طریق رسانه‌های گروهی سنتی (غیردیجیتال) در تربیت غیررسمی

در مجموع، رسانه‌های ارتباطی خواه برای آموزش برنامه‌ریزی شده باشند و خواه نشده باشند آموزش دهنده‌اند، زیرا مردم همواره از آنها تاثیر می‌پذیرند و می‌آموزند. (آدریان و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۳). رسانه‌های گروهی سنتی و غیردیجیتال شامل: روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون، سینما و امثال آن است. از دوران کودکی تا کهنسالی این رسانه‌ها یک منبع اساسی یادگیری برای همه افراد محسوب می‌شوند؛ دانش‌ها، نگرش‌ها و باورها مهارت‌های فراوانی توسط این رسانه‌ها در هر شخص ایجاد می‌شود؛ بسیاری از دانش‌ها، نگرش‌ها و باورها و مهارت‌های آموخته شده تصحیح و یا در آنها تغییرات اساسی ایجاد می‌گردد.

### یادگیری از طریق آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های دیجیتال در تربیت غیررسمی

یادگیری غیررسمی با فناوری، یکی از عوامل شناختی و اجتماعی کردن مهم نوجوانان معاصر است. اغلب آن با فعالیت‌های اوقات فراغت نظیر بازی‌های رایانه‌ای یا استفاده از اینترنت برای مقاصد ارتباطی تدریس می‌شود. با توجه به پیشرفت‌های خارق العاده در فناوری در سال‌های اخیر، امروزه جوانان می‌توانند به شکل برخط بر همگان خود در سراسر جهان به گفتگو بنشینند. همچنین با شبیه‌سازی‌های پیچیده و بازی‌های نقش‌آفرینی که می‌تواند با ویژگی‌های چند نقشی بر خط ترکیب شود، یاد بگیرند. درباره یادگیری بیرون از مدرسه کودکان از طریق فاوا، طیف وسیعی از فعالیت‌ها و تجارب را می‌توان مشخص کرد. برای مثال محیط خانواده به تنهایی، ممکن است طیفی از تجارب دیجیتالی مختلف، انجام بازی‌های رایانه‌ای با استفاده از سی دی رام‌های اصلاحی برای رای‌دهی تعاملی از طریق تلویزیون دیجیتالی تا ویرایش عکس‌های دیجیتالی، برای نوجوانان و جوانان فراهم کند. علاوه بر آنها تعداد رو به تزایدی از تجارب دیجیتال بر بستر وب در موقعیت‌های مختلف قابل کاوش و جستجو است؛ از چت روم‌های برخط و جوامع بازی چند نفره با نوآوری‌های بنیادگذاری شده توسط دولت‌ها.

### بررسی عوامل موثر بر رشد اجتماعی و تعلیم و تربیت غیررسمی کودکان

۱- پدر و مادر: خانه خانواده، آموزشگاه آغازین هر فرد می‌باشند. زندگی خانوادگی نقش مهمی در خودسازی و بازسازی دل‌ها دارد. پدر و مادر و دیگر افراد خانواده می‌توانند مربی لایق و موفق برای فرزندان باشند و یا عامل اساسی انحراف و آلودگی‌های کودکان باشند.

۲- خانواده: یکی از عوامل تربیتی مهم در رشد اخلاق فرد می‌باشند. فرزندان و کودکان از اعضای خانواده الگو می‌گیرند و رنگ می‌پذیرند.

۳- دوستان: دوستان و همسالان از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تربیت فرزندان به حساب می‌آیند.

۴- مربی

۵- جامعه و محیط زندگی: یکی دیگر از عوامل تربیت، جامعه و محیط زندگی انسان است. از این‌رو در انتخاب مکان زندگی و محیط اجتماعی باید دقت لازم را به عمل آورد.

۶- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

**نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رشد تعلیم و تربیت غیررسمی در کودکان**

۱- پرورش استعدادها و خلاقیت و نوآوری در کودکان

۲- ایجاد باورها، بینش‌ها، منش و خلاقیت که به عنوان ملاک اصلی پیشرفت تلقی می‌شود.

۳- ایجاد تقویت و نگرش و مهارت فراگیری

۴- روحیه خودآموزی و انگیزه و اعتمادبه‌نفس

۵- روحیه نقد و تجزیه و تحلیل

۶- پرورش تمامی ابعاد شخصیت کودکان در جنبه‌های بدنی، عقلی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، هنری و ..

۷- روحیه تعامل و تاثیرگذاری

۸- توسعه روابط اعضا و کار گروهی

۹- پاسخگویی به محرک‌های اجتماعی

۱۰- تقویت حس کنجکاوی

۱۱- سرانجام می‌تواند مسئولیت‌پذیر شود و نسبت به ماهیت و حدود شرکت اجتماعی واکنش نشان دهد.

**تأثیر آموزش‌های غیررسمی بر پیشرفت تحصیلی**

تجرباتی که دانش‌آموزان از آموزش‌های غیررسمی به دست می‌آورند، می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر پیشرفت تحصیلی و آموزش رسمی آن‌ها داشته باشد. آگاهی معلم از تجربیات کودکان و نوجوانان می‌تواند، در شناسایی علاقه‌ها و استعدادها دانش‌آموزان و همچنین انتخاب روش تدریس و راهبردهای یادگیری، کمک شایانی به او کند. معلم می‌تواند در اوقات آزاد از دانش‌آموزان بخواهد در مورد چگونگی گذراندن اوقات خود در خارج از مدرسه صحبت کنند. تجربیات کودکان و نوجوانان ممکن است بسیار متفاوت باشند؛ مثلاً عده‌ای در مورد فعالیت‌های مکانیکی یا الکتریکی تجربه دارند و عده‌ای دیگر در مورد نواختن سازهای موسیقی یا خواندن کتاب شعر و داستان. بازگو کردن این تجربیات در کلاس، نه تنها موجب تغییر نگرش معلم نسبت به توانمندی‌ها و استعدادها و نحوهٔ فراگیری دانش‌آموزان می‌شود، بلکه موجب افزایش صمیمیت بین دانش‌آموزان و بهره‌مندی از اطلاعات یکدیگر نیز می‌شود. تجربیاتی که دانش‌آموزان از آموزش‌های غیررسمی به دست می‌آورند، می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر پیشرفت تحصیلی و آموزش رسمی آن‌ها داشته باشد.

### معرفی تربیت غیررسمی معلمان

یادگیری الکترونیکی زایندهٔ چرخهٔ تحولات سریع و روبه‌گسترش فناوری‌های نو به مفهوم واقعی آن است. تاکنون تعاریف متفاوتی از یادگیری الکترونیکی ارائه شده است. کراس، که بسیاری او را مخترع واژه الکترونیکی می‌دانند، یادگیری الکترونیکی را دارای شش نشانه به شرح زیر می‌داند:

یادگیری الکترونیکی به وسیلهٔ اینترنت صورت می‌گیرد، با جدیدترین اطلاعات همراه است، مجموعه‌ای از روش‌های آموزشی را در برمی‌گیرد (آموزش‌های مجازی- همکاری دیجیتال- شبیه‌سازی و...)، فراگیر محور است و به ویژگی فردی او توجه دارد، کثرت گراست (شامل همهٔ می‌شود) و نهایتاً قابلیت انجام دادن فرایندهای اداری و مدیریتی از قبیل: ثبت نام، پرداخت شهریه، نظارت بر روند اجرای فعالیت‌های یادگیرنده، تدریس و اجرای ارزشیابی از راه دور را فراهم می‌کند.

به طور کلی، یادگیری الکترونیکی به آن نوع یادگیری گفته می‌شود که در محیط شبکه به وقوع می‌پیوندد و در آن مجموعه‌ای از فناوری چند رسانه‌ای، فرا رسانه‌ای و ارتباطات از راه دور به خدمت گرفته می‌شود و نوعی یادگیری است که در محیط اینترنت صورت می‌گیرد و با بهره‌گیری از فناوری شبکه تسهیل می‌شود.

### روش یادگیری الکترونیکی

این نوع یادگیری که به استفاده از تکنولوژی آموزشی اشاره دارد، تأکید می‌کند که در فضای مسقف کلاس درس، معلمان از رسانه‌های سنگین آموزشی اعم از رایانه‌های عمومی، شخصی، سی‌دی‌ها، دیسک‌ها، سایت‌های اینترنت، ایمیل و حتی نانو فناوری در فرایند یاددهی استفاده کنند تا یادگیری را تسهیل کرده و موجبات ارتقاء سطح علمی فراگیران را فراهم آورند.

این روش یادگیری برای شاگردان از آن جهت کارآمد و اثربخش است که بازدهی تحصیلی و فعالیت آموزشی آنان و عملکرد و تدریس و رفتار کلاسی معلمان را بهبود می بخشد، چرا که براساس تحقیقات انجام شده این نتیجه حاصل گردید:

«که ۷۵ درصد یادگیری از طریق وسایل دیداری و تصویری و به وسیله حس بینایی انجام خواهد شد.

در صورتی که تنها ۱۳ درصد یادگیری از طریق حس شنوایی و وسایل صوتی انجام می گیرد و دیگر حواس بویایی و چشایی هر کدام ۳ درصد در حافظه و یادگیری تأثیر دارند.» و فرایند یادگیری کامل را متأثر می کند و اثربخش می نماید به همین دلیل است که در طراحی مدارس بهتر فردا، فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش حیاتی خود را ایفا می کند، چرا که در فرایند ارتباط دهی فناوری نوین آموزش و پرورش، قدرت بهره گیری فزاینده و فراگیر افزایش می یابد.

مثلاً با کاربرد فناوری و ویدئو ماهواره‌ای در ژاپن دانش آموزان یک کلاس با معلم و دانش آموزان هم پایه‌شان در نقطه دیگری از همان کشور طلب همپاری کنند، حتی برای تهیه گزارش در درس علوم اجتماعی از طریق پست الکترونیکی با دانش آموزان هم سن و سال خود در کشورهای اروپایی ارتباط برقرار می کنند یا برای همسالان خود در کانادا، مالزی و سریلانکا نامه می نویسند و درباره مسائل جهانی با هم گفت‌وگو می کنند.

با این سبک تدریس در رویکرد جدید کلاسداری، کاربرد فناوری نوین در کلاس درس، خواه از طریق یادگیری گروهی، یا به وسیله ویدئو کنفرانس و یا استفاده از آموزش مجازی، دانش آموزان را در مرکز فرایند آموزش قرار می دهد. این همان راهی است که ما در آن می توانیم بر روی آنچه که در گذشته گلوگاه بزرگی برای جداسازی دانش آموزان از فرصت‌ها بوده است، پلی بزنیم. آموزش با این شیوه این امکان را برای معلمان و شاگردانی که از لحاظ زمان و مکان و یا هر دو از یکدیگر جدا هستند می دهد تا از طریق نرم افزار مدیریت دروس، منابع چند رسانه ای و مانده آن باهم ارتباط برقرار کنند و محتوای درس را دریافت نمایند و با همدیگر تبادل اطلاعات و انتقال معلومات کنند.

### نتیجه گیری

تربیت یکی از مهمترین بحث‌ها و رویکردهای آموزش و پرورش می باشد که برای به ثمر رساندن این موضوع از هزینه‌ها و سرمایه‌ها و نیروهای انسانی زیادی کمک گرفته شده و با توجه به مهم بودن تربیت باید معلمین مسئولین اولیاء هم دست به دست هم بدهند تا در تربیت رسمی و غیررسمی مسیر رشد و شکوفایی طی شود نه مسیر انحراف و سیاهی.

مخصوصاً در تربیت غیررسمی که در این عصر حساس ترین و مهم ترین نکته تربیتی در بین جوانان و نوجوانان همین فضای های مجازی می باشد و در تربیت غیررسمی فرد با اراده و اختیار خود و از روی برنامه ریزی هایی که انجام داده است به رفع مشکلات تربیتی خود اقدام، و سعی در بهتر شدن رابطه تربیتی دارد. در صورتی که تربیت غیررسمی به شیوه نادرست آن در فضای آموزشی کشور به مرحله اجرا و عمل برسد می تواند موجب تعارض ارزش‌ها، بازدارندگی، اعتیاد به اینترنت، بحران هویت و

اختلال در شکل‌گیری شخصیت و...شود. برای اینکه از ضربه سمی و خطرناک تربیت نابجا چه در رسمی و چه در غیررسمی در امان بمانیم باید همه در یک هدف و برای رسیدن به آرمان و آرزوی جوامع موفق گام برداریم تا بتوانیم نسلی که تربیت می‌کنیم نسلی باشد شاهد رشد و شکوفایی و به ثمر رسیدن آن .

هر اجتماعی تنها هنگامی پایدار، متری و در حال پیشرفت خواهد بود که همیشه به فکر پرورش تمام اعضای خویش باشد. برای رسیدن به این مهم به جز مدرسه امور مثبت و موثر دیگری نظیر ارتباط با دوستان، دسترسی آسان به مجلات، فضای مجازی، مسجد و...باید مورد استفاده نوجوانان و علم‌آموزان قرار گیرد.

این یک شواهد واضح است که محققان موافقند که ادغام محیط رسمی و غیر رسمی می‌تواند به منظور افزایش آگاهی دانش‌آموزان نسبت به علم باشد. این به این دلیل است که دانش‌آموزان دورهٔ مدرسه حدود دو سوم از زندگی بیداری خود را در خارج از تحصیلات رسمی صرف می‌کنند. بنابراین تأثیراتی که خارج از مدرسه تجربه می‌کنند بر دانش و درک، باور، نگرش، و انگیزهٔ یادگیری نمی‌تواند نادیده گرفته شود. با این حال، هنگامی که دانش‌آموزان در مکان‌هایی که علوم را اغلب جدید و هیجان‌انگیز توضیح می‌دهند، دانش‌آموزان را ملاقات می‌کنند یا به آنها آموزش می‌دهند، اغلب به نظر می‌رسد که آنها بیشتر مشتاق هستند. بنابراین اگر بین تربیت رسمی و غیررسمی جدایی و اختلاف باشد، این برای کشور مانده یک زهر خطرناک است؛ زیرا تعلیم و تربیت و فرآیند محدود به مدرسه و آموزش و پرورش نمی‌باشد، بلکه نهادهای دینی، اجتماعی و خانواده به کمک هم این پازل تربیت را کامل می‌کنند. به امید آنکه تمام کودکان این سرزمین به همت خانواده‌ها و مربیان به رشد تربیتی کافی و مناسب جهت زندگی مفید و موثر در اجتماع برس

## منابع

- ۱- آتکینسون، ریتا ال و دیگران. (۱۴۰۰). *زمینهٔ روانشناسی هیلگارد*. محمد تقی براهنی و دیگران. تهران: نشر رشد. چاپ ۷.
- ۲- آذریان، علی و دیگران. (۱۳۹۶). «*رسانه‌ها و تعلق‌پذیری ملی*». مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳.
- ۳- پارسا، محمد. (۱۳۸۵). *روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها*. تهران: انتشارات بعثت. چاپ ۳.
- ۴- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). *روانشناسی پرورشی نوین «روانشناسی یادگیری و آموزشی»*. تهران: دوران. چاپ ۱۱.
- ۵- جارویس، پیتر. (۱۳۹۲). *آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم*. غلامعلی سرمد. تهران: سمت. چاپ ۱۰.
- ۶- حکیم‌زاده، رضوان و دیگران. (۱۳۹۳). «*نیازسنجی آموزشی برنامه‌های آموزش خانواده برای اولیای دانش‌آموزان ناحیه یک تبریز*». فصلنامهٔ آموزش و ارزشیابی، سال هفتم، شماره ۲۶.



۷- رابینز، استفن پی. (۱۳۸۵). *مبانی رفتار سازمانی*. علی پارسائیان و محمد اعرابی. نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ ۱۳.

۸- کدیور، پروین. (۱۳۷۵). *روانشناسی تربیتی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ ۱۷.

۹- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۷). «درآمدی بر نحوه گذراندن اوقات فراغت» مجله پیوند، شماره ۳۴۶-۳۴۵.

۱۰- گروه مشاورین یونسکو. (۱۳۸۲). *فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی*. فریده مشایخ. انتشارات مدرسه. چاپ ۱۳.

۱۱- مطهری، مرتضی. بهار (۱۳۷۵). *تعلیم و تربیت در اسلام*. انتشارات صدرا. چاپ ۲۷.

۱۲- نجفی، نکتم و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی و مقایسه وضعیت یادگیری رسمی و غیررسمی و منابع آن در دانشجویان».

فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۴۸.